



عهد و گفتگو

COVENANT & CONVERSATION



درس هایی پیرامون اخلاق
ربای لرد جانانان ساکس



با سپاس از بنیاد Wohl Legacy برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

The Right and the Good

Va'etchanan

درست و خوب: واتخنان

در لابلای بخش های حماسی ویتخنان که شمع ایسرائل و ده فرمان را در خود جای داده اند، بخش کوتاهی هست با معنایی گسترده برای زندگی اخلاقی نزد یهودیت. از این قرار است با آیه قبلی آن:

در رعایت فرمان های خداوند، خدای خود کوشا باش و قواعد و احکام او را به جا بیاور. آنچه در نظر خداوند درست است و آنچه خوب است را انجام بده تا برای تو خوب بشود تا بروی و مالک سرزمینی بشوی که خدا قول آنرا به نیاکانت داده که به تو بدهد. (تثنیه ۱۷-۶:۱۸).

مشکل، آشکار است. آیه پیش از آن به دستورها و قواعد و احکام اشاره دارد. این در نگاه اول کل حرف یهودیت درباره رفتار است. پس چرا عبارت "درست است و خوب است" که در آیه قبلی نبود، اینجا اضافه می شود.

راشی می گوید که به رفتار و رای محدوده قانون (*lifnim mi-shurat ha-din*) اشاره دارد. قانون یک حداقل آستانه دارد: این کار را باید بکنیم. اما زندگی اخلاقی نیازمند انجام کارهایی است بیش از آنچه موظفیم.¹ مردمی که بیشتر از همه با خوبی و درستکاری خود ما را تحت تاثیر قرار می دهند، کسانی نیستند که فقط قانون را نگه می دارند. قדיسان و قهرمانان زندگی اخلاقی فراتر می روند. آنها بیش از آنچه تعهد کرده اند انجام می دهند. آنها یک فرسنگ اضافه می روند [توضیح مترجم فارسی: اشاره به جمله معروف هیلل است]. از نظر راشی این معنای سخن تورات است که می گوید: "درست و خوب".

رمبان [نحمانیدس] هنگام نقل قول از راشی و جدل با نظر او تفسیر کمی متفاوتی ارائه می دهد:

موسی ابتدا گفت که باید دستورها و احکام خدا را که به شما فرمان داده به جا بیاورید و اینک می گوید که حتی آنجا که به شما دستوری نداده، فکر کن و آنچه در نظر خدا درست و خوب است را انجام بده، زیرا او درست و خوب را دوست دارد.

¹ See Lon Fuller, *The Morality of Law* (New Haven, CT: Yale University Press, 1969), and Rabbi Aharon Lichtenstein's much reprinted article, "Does Jewish Tradition Recognize an Ethic Independent of the Halakhah?" in *Modern Jewish Ethics*, ed. Marvin Fox (Columbus: Ohio State University Press, 1975), pp. 62–88.

این اصل مهمی است، زیرا ممکن نیست همه ابعاد رفتار انسان با همسایه ها و دوستانش و همه داد و ستدها و قوانین جوامع و کشورها در تورات بیاید. اما از آنجا که خدا بسیاری از آنها را ذکر کرده مانند "نباید شایعه سازی کنی"، "نباید انتقام بگیری یا کینه داشته باشی"، "نباید در برابر جان همسایه است بیتفاوت باشی"، "نباید به ناشنوا فحش بدهی"، "باید در برابر موسpidان بایستی" و امثال آنها، پس خداوند به شکلی کلی در مورد همه امور گفته که فرد باید آنچه خوب و درست است را انجام دهد، از جمله انجام کارهایی و رای آنچه قانون تعیین می کند... پس فرد باید در هر جنبه از فعالیت های خود این گونه رفتار کند تا لایق صفات "خوب و درستکار" بشود.

رهبان از دیدگاه راشی فراتر می رود و می گوید که درست و خوب اشاره به استاندارد بالاتری از اقتضای قانون خشک دارد. گویی می خواهد به ما بگوید که جنبه هایی از زندگی اخلاقی هستند که درباره آنها قانونی بیان نشده است. به این دلیل می گوید "زیرا ممکن نیست همه ابعاد رفتار انسان با همسایه ها و دوستانش و همه داد و ستدها و قوانین جوامع و کشورها در تورات بیایند."

قانون به امور جهانشمول و اصولی کاردارد که برای همه زمان ها و مکان ها صدق می کنند: قتل نکن. دزدی نکن. غارت نکن. دروغ نگو. اما همچنان جنبه های مهمی از زندگی اخلاقی هستند که به هیچ رو جهانشمول نیستند. آنها با شرایط خاص و چگونگی پاسخ ما به آنها سرو کار دارند. یک شوهر یا زن خوب بودن، یک والدین، معلم یا دوست خوب بودن یعنی چه؟ یک رهبر، پیرو یا عضو گروه خوب چگونه است؟ چه زمانی درست است که ستایش کنیم، و چه زمانی باید بگوییم: "می توانستی بهتر از این عمل کنی"؟ جنبه هایی

از زندگی اخلاقی هست که نمی تواند به قواعد رفتاری خلاصه شود، زیرا آنچه اهمیت دارد، تنها کاری که انجام می دهیم نیست، بلکه چگونگی انجام آن مهم است: آیا با فروتنی و متانت انجام می دهیم یا با حساسیت یا مهارت؟

اخلاق به افراد کار دارد و هیچ دو فردی یکسان نیستند. وقتی موسی از خدا خواست که جانشینش را برگزیند، درخواست خود را با این کلمات آغاز کرد: "ای خداوند، خدای روح همه جسم ها." (اعداد ۱۶:۲۷). حکیمان در این باره چنین تفسیر کرده اند: موسی می خواست بگوید که هر فرد متفاوت است و از این رو از خدا خواست که رهبری را برگزیند که با هر فرد مانند انسانی منفرد ارتباط بگیرد و بداند که آنچه به یک نفر کمک می کند، ممکن است به دیگری آسیب وارد کند.² این توانایی قضاوت پیرامون پاسخ درست به فرد درست در زمان درست یک ویژگی رهبری و نیز در کل ویژگی نیکویی انسانی است.

راشی تفسیر خود از برشیت [پیدایش] را با این پرسش آغاز می کند: اگر تورات کتاب قانون است، چرا با اولین قانونی که به بنی اسرائیل داده شده آغاز نمی شود؟ و این قانون تا باب ۱۲ سفر خروج بیان نمی شود؟ چرا روایت های آدم و حوا، قایل و هابیل و پدران و مادران قوم و فرزندان شان بیان می شوند؟ راشی پاسخی می دهد که هیچ ارتباطی با اخلاق ندارد و می گوید که این با حق بنی اسرائیل بر سرزمین آنها مرتبط است. اما نتریو (ربی نفتالی زوی یهودا برلین ۱۸۱۶-۱۸۳۹) می نویسد که داستان های پیدایش برای این آمده اند که به ما بیاموزند پدران ما در رفتارهای خود چگونه درستکار بودند، حتی با مردم بیگانه و

² Sifre Zuta, Midrash Tanhuma and Rashi to Numbers ad loc.

بت پرست. او می گوید از این رو حکیمان، سفر پیدایش را "کتاب درستکاران" نامیده اند.

3

اخلاق فقط دسته ای از قواعد یا حتی مجموعه ای مانند ۶۱۳ قانون و تبصره های حکیمان بر آنها نیست. اخلاق همچنین به چگونگی پاسخ ما به دیگران به عنوان فرد می پردازد. داستان آدم و حوا در باغ عدن در این مورد است که چه چیز در رابطه آدم و حوا به راه خطا رفت که مرد به زنش همچون ایشا یا زن اشاره کرد که توصیفی کلی و یک سنخ است؟ فقط وقتی که به او نام خاص حوا را داد او را یک فرد به حساب آورد و فقط آن هنگام بود که خدا برای آدم و همسرش "جامه هایی از پوست ساخت و آنها را پوشاند". (پیدایش ۳:۲۱)

این نیز تفاوتی است میان خدا از دید ارسطو و خدای ابراهیم. ارسطومی گفت که خدا فقط امور کلی را می داند و نه امور خاص را. این همان خدای علم و روشنگری نزد اسپینوزا است. خدای ابراهیم، خدایی است که با فرد فرد ما و با آنچه ما را از دیگران متمایز می کند یا به دیگران شبیه می سازد، ارتباط می گیرد.

در نهایت این همان تفاوت میان دو اصل مهم اخلاق یهودی است: عدالت و عشق. عدالت جهانشمول است. همه افراد از غنی و فقیر، قدرتمند و بی قدرت را یکسان قضاوت می کند و هیچ تفاوتی بر مبنای رنگ پوست یا طبقه افراد نمی گذارد. والدین فرزندان خود را به خاطر جنبه های منحصر به فرد آنها دوست دارند. زندگی اخلاقی آمیزه ای از این هر دو است. از این رو نمی توان آنرا فقط به قوانین جهانشمول فروکاست. تورات همین منظور را دارد وقتی از "درست و خوب" در ورای دستورها، قواعد و احکام سخن می گوید.

³ *Ha-amek Davar to Genesis, Introduction.*

یک معلم خوب می داند به یک دانش آموز ضعیف که با کوشش بسیار، بهتر از انتظار عمل کرده، چه بگوید و به دانش آموز با استعداد و شاگرد اولی که همچنان پایینتر از توانایی خود کوشش می کند، چه توصیه ای بکند. یک کارفرمای خوب می داند چه زمانی ستایش یا انتقاد کند. ما همه باید بدانیم چه زمانی روی عدالت تاکید کنیم و چه زمانی روی بخشیدن. افرادی که تاثیر تعیین کننده بر زندگی ما داشته اند همیشه کسانی بوده اند که جنبه های یگانه ما را درک کرده اند. ما برای آنها فقط چهره ای در میان جمعیت انبوه نبوده ایم. از این رو هرچند اخلاق اصول جهانشمولی دارد و بدون آنها نمی تواند وجود داشته باشد، اما همچنین کنش و واکنش هایی را دربرمی گیرد که نمی توان آنها را به قواعد فروکاست.

ربی اسرائیل اهل ریشین (۱۷۹۶-۱۸۵۰) روزی از دانشجویی پرسید که شولخان عاروخ چند فصل دارد؟ دانشجو پاسخ داد: "چهار". ربی اسرائیل اهل ریشین پرسید: "چه؟ آیا از فصل پنجم آن خبر نداری؟" دانشجو گفت: "نه هیچ فصل پنجمی وجود ندارد!" ربی اسرائیل اهل ریشین گفت: "چرا هست: همیشه با هر کسی طوری رفتار کن که گویی یک شاهزاده است."

فصل پنجم قانون درباره یک منش رفتاری است که نمی توان آنرا به قانون فروکاست. از این راه می توان درست و خوب را اجرا کرد.

شبات شالوم

.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت
دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved